



دانشگاه لرستان

شاپای الکترونیکی: ۳۹۶۳-۲۳۸۳

دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات

<http://koran.lu.ac.ir>



مقاله پژوهشی

جلوه‌های آیات قرآن در نفثه‌المصدور

اختیار بخشی^{*۱}، احمد نورمند^۲، محمدعلی خزانه‌دارلو^۳

^{۱*} استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان

^۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان

اطلاعات مقاله

دریافت مقاله:

۱۴۰۱/۱۲/۲۹

پذیرش نهایی:

۱۴۰۱/۰۴/۲۴

چکیده

هدف از این تحقیق مشخص کردن تأثیر آیات قرآنی بر غنای صوری و ساختاری نفثه‌المصدور شهاب‌الدین محمد زیدری نسوی و برجسته نمودن ارزش ادبی و بلاغی والای این آیات در ارتقای این متن ادبی و تاریخی به یکی از بهترین نمونه‌های نثر کهن مصنوع فارسی است. بررسی و تحلیل متن با روش مطالعه کتابخانه‌ای و متن پژوهی نشان می‌دهد که در نفثه‌المصدور جلوه‌های گوناگون هنرنمایی و نکته‌پردازی نویسنده در بهره‌گیری از آیات قرآن، و رای شأن نزول آنها، به اقتضای لفظ و معنی نمود یافته است. بیشتر موارد استفاده او از آیات قرآن به صورت استفاده از بخشی از آنها است. زیدری نسوی در کاربرد آیات به مطابقت آنها با نص قرآن کریم و یا به استفاده از آیات کامل تممّد و اصرار نداشته، بلکه بیشتر به استفاده لفظی و ساختاری از آیات در جهت تممّم و تکمیل معنی جملات فارسی و نمایاندن قدرت استادیاش در نثرنویسی و سخن‌پردازی فارسی تأکید کرده است. نویسنده در بعضی موارد از این آیات به زیبایی به منظور طنزپردازی بهره برده است. از دیدگاه معاشناسی بیشترین موارد استفاده از آیات مربوط به آیات انذار و عذاب‌های اخروی و عاقبت انسان‌های بدکردار است که با توجه به محتوای کتاب به‌جا و هنرمندانه به کار رفته و بر ارزش و انسجام متن افزوده است. نتیجه کار نشان می‌دهد که به کارگیری هنرمندانه آیات قرآن عامل مهمی در ارتقای این متن ادبی به یکی از شاهکارهای مسلم نثر کهن مصنوع فارسی است..

واژگان کلیدی:

قرآن، بررسی و تحلیل،

زیدری نسوی، نثر مصنوع،

نفثه‌المصدور.

* نویسنده مسئول

پست الکترونیک نویسندگان: ikhtiyar.bakhshi@gmail.com؛ nourmand_3@yahoo.com؛ khazaneh@guilan.ac.ir

استنادی به مقاله:

بخشی، اختیار؛ نورمند احمد و خزانه‌دارلو؛ محمد علی (۱۴۰۱). جلوه‌های آیات قرآن در نفثه‌المصدور، دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، سال هفتم،

شماره دوم (پیاپی ۱۰)، ص ۸۰-۱۰۴



Doi:10.52547/koran.7.2.86

۱. مقدمه

نبوی و آثار صحابه و امثال عرب و تسلط بر آن‌ها را جزو شرط‌های لازم دبیری و ویژگی‌های اصلی دبیران حاذق شمرده و در حکایاتی که در این باره آورده است: نهایت فضل و هنر دبیران بزرگی چون «اسکافی» را در استفاده به‌جا و به مقتضای حال و مقام از آیات قرآنی دانسته است (نظامی عروضی، ۱۳۶۹: ۲۴-۲۲ و بهار، همان: ۳۶۰).

«هنگامی که سخن از مقتضای حال و مقام پیش کشیده می‌شود، پای علوم بلاغی و به ویژه علم معانی به میان می‌آید. چرا که مقتضای حال نقطه مرکزی بلاغت است.» (تجلیل، ۱۳۷۶: ۵) برپایه این نظر، از دیدگاه علم معانی، به کارگیری آیات قرآنی و احادیث نبوی به مقتضای حال و مقام، برای تأثیرگذاری هرچه بیشتر بر مخاطب (شنونده و یا خواننده) که هدف علم معانی و بلاغت است، با مقاصد گوناگونی انجام می‌پذیرد: استشهاد و استناد، تبیین و توضیح، تعلیل و توجیه، تشبیه و تمثیل، تحذیر و تحریض، تبرک و تیمن، تزیین و تجمیل، نکته‌پردازی، فضل‌فروشی، هنرنمایی و... (راستگو، ۱۳۸۳: ۳۰)

در بررسی کاربرد آیات قرآن کریم در نفثة‌المصدر مشخص می‌شود که در اکثر موارد تنها بخشی از آیات قرآن در حد چند کلمه و گاهی دو یا حتی یک کلمه در ضمن جمله‌ها و بافت و پیکره آن‌ها به کار رفته است. به همراه این به‌گزینی و ایجاز، گاه نویسنده آیات کامل را بدون کاستن جزئی از اجزای آن‌ها به مقتضای حال و مقام سخن آورده است. (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۲۶) این ویژگی را می‌توان ذیل فصاحت کلام و بلاغت متکلم، یعنی هم از «جنبه شیوا و وافی و رسا و مطابق و مناسب حال و مقام بودن کلام و هم قدرت انشای سخندان چیره‌زبان در آوردن سخن بلیغ» بررسی کرد. (همایی، ۱۳۷۱: ۲۴-۲۵) از آن‌جا که «شهاب‌الدین زیدری نسوی از منشیان دربار جلال‌الدین منگبُرنی خوارزمشاه و پس از او

قرآن کریم از ابتدای نزول، رسوخ عمیق، گسترده و قابل توجهی در ذهن و زبان و زندگی مسلمانان داشته است. شاعران و نویسندگان ادیب، سخن‌دان و سخن‌پرداز مسلمان در بسیاری از موقعیت‌های مناسب، برای ارتقای شعر و نثر خود، به اقتضای حال و مقام و مقال، به نحوی از انحا، از آیات قرآن بهره برده‌اند. شعرا و نویسندگان ادب فارسی نیز مانند دیگر ادیبان مسلمان به شیوه‌های متفاوت و متنوع از آیات قرآن از جمله درج، اقتباس، تضمین، حلّ یا تحلیل و تلمیح استفاده کرده و آیات و کلمات قرآنی یا مفاهیم و مضامین آن را در شعر و نثر خود گنج‌انیده‌اند.

شهاب‌الدین محمد زیدری نسوی (م. ۶۴۷ هـ.ق) در کتاب نفثة‌المصدر مانند دیگر نویسندگان و شاعران ادب فارسی از آیات قرآنی در موقعیت‌های مختلف برای ارتقای اثر خود بهره برده است که در این مقاله برآنیم تا گونه‌ها، شیوه‌ها و شگردهای این بهره‌گیری را بررسی کنیم.

به کارگیری آیات قرآنی ضمن نوشته‌ها، در نثر فارسی بیشتر به ویژگی سبکی مربوط می‌شود. «استفاده از کلمات عربی و استدلالات قرآنی و شواهد تازی در نوشته‌های نویسندگان و منشیان درباری قرون ششم و هفتم (زمان تصنیف و نگارش نفثة‌المصدر) مرسوم بوده است. این نویسندگان و منشیان، پارسی ساده و بدون زیور و زینت عربی را لفظی رکیک و ترهاتی نابسامان می‌پنداشتند» (بهار، ۱۳۴۹، ج ۲: ۳۶۳ و وراوینی، ۱۳۸۰: ۲۰-۲۱).

نظامی عروضی در اواسط قرن ششم هجری بین سال‌های ۵۵۱-۵۵۲ هـ.ق، در دیباچه کتاب «چهار مقاله» خود، در بیان ماهیت دبیری و کیفیت دبیر کامل، «عادت به خواندن مداوم قرآن کریم و تسلط بر آن را به همراه خواندن اخبار و احادیث

به شمار می‌آید. بهار تأکید می‌کند که «سبک نوشتاری محمد زیدری نسوی همانند نویسندگان بنامی چون ناصح بن شرف جرفادقانی و سعدالدین وراوینی به گونه‌ای است که هرچند در سده هفتم ظهور کرده‌اند، یا تاریخ تألیف کتب آن‌ها قرن هفتم هجری است، بدون تردید آن‌ها را باید در ردیف نویسندگان قرن ششم جای داد.» (بهار، ۱۳۴۹، ج ۳: ۶) «در این دسته از آثار نویسندگان برای اطناب و اطالۀ معنی، آیات قرآن و احادیث را در نثر به کار می‌بردند و آن را از دلایل انسجام و جزالت و استحکام و قدرت و کمال نثر می‌دانستند» (خطیبی، ۱۳۶۶: ۲۰۸)

۱.۲. بیان مسأله

سؤال اساسی این پژوهش که انجام آن را ضروری می‌کند، چنین است: چگونه و با چه سازوکار و شگردهایی نویسنده نفثةالمصدر، کتابی با حجم کم توانسته‌است که «گوی سبقت را از نویسندگانی مثل جرفادقانی و بهاءالدین بغدادی برآید و تصنیفش از هر حیث با آثاری همچون مرزبان‌نامه وراوینی و کلیله و دمنه نصرالله منشی پهلو به پهلو بزند» و به «یکی از شاهکارهای بدیع نثر فنی و یکی از بهترین نمونه‌های ادب فارسی» (ر.ک. بهار، ۱۳۴۹، ج ۳: ۸۰ و صفا، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۰۹) تبدیل شود؟ از دیدگاه سبک‌شناسی دلیل آن را باید وفاداری زیدری نسوی به شاخصه‌های نثر فنی دانست. نثری که ابوالمعالی در قرن ششم هجری به عنوان شاخص و سنت‌گذار آن مطرح است و کلیله و دمنه او، سرآغاز این نثر و نمونه و سرمشق عالی آن به شمار می‌رود. هرچند که اهمیت و هنر کتاب نفثةالمصدر بیشتر مرهون ادبی و هنری بودن آن و تسلط مصنف آن بر ادبیات و نثرنویسی فارسی است، به نظر می‌رسد که یکی از عناصر و شاخصه‌های این نوع نثر به کارگیری به‌جا و هنرمندانه آیات قرآنی است. در این پژوهش درصد تبیین به‌کارگیری آیات قرآن در این کتاب برآمده‌ایم و کوشیده‌ایم

شهاب‌الدین غازی از پادشاهان ایوبی آسیای صغیر بود، نباید فراموش کرد که شیوة انشای او منشیانه است.» (صفا، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۰۹) به اعتقاد ملک‌الشعراى بهار «تلمیح به آیات قرآنی و استدلال و استشهاد به کلمات ربّانی که از قرن ششم و عهد ابوالمعالی نصرالله منشی رواج پیدا کرده و تثبیت شده بود، سرمایه اصلی دبیران پس از او بوده است.» (بهار، ۱۳۴۹، ج ۲: ۳۶۳ و ج ۳: ۲۰۲)

هر چند به کارگیری به‌جا و مناسب حال آیات و کلمات قرآنی از جنبه بلاغی مربوط به قدرت سخن‌پردازی نویسنده و ملکه سخندانی و قوه بیان شیوا و بلیغ اوست و نویسندگان و منشیان قدیم همانند گویندگان (شعرا) و سخنوران (خطبا) واجد آن بوده‌اند (همایی، ۱۳۷۱: ۲۵)، نباید فراموش کرد که خود این ویژگی، جزو معیارها و شاخصه‌های اصلی نثر فنی و جزو همان هنجارهایی بوده است که نویسندگان عصر زیدری نسوی، آن را پذیرفته و اعمال می‌کرده‌اند. با این دیدگاه هرگونه ملاحظات بلاغی و بدیعی تحت‌الشعاع ویژگی سبکی قرار می‌گیرد.

در نفثةالمصدر کاربرد آیات قرآنی در جملات زبان فارسی در بسیاری از مواقع چنان استادانه و به‌جاست که آیات قرآنی عملاً جزو بافت (textur) متن می‌شوند؛ یعنی بیشتر از آن که نویسنده تعمّدی در زیبایی آفرینی و ملاحظات بلاغی (بدیعی و بیانی) در آرایش کلام داشته باشد، بر پایه ملاحظات معنایی (علم معانی) آیات و کلمات قرآنی را چنان در جای مناسب خود به کار می‌برد که کلمات و جملات عربی آیات قرآن در محور هم‌نشینی کلام با کلمات فارسی معانی و مفاهیم واحدی را می‌رسانند. با همین شگرد، فایده اول نیز به صورت مطلوب حاصل آمده است.

زیدری نسوی نفثةالمصدر را در سال ۶۳۲ هـ.ق. نوشته است و بدین ترتیب از نویسندگان نیمه اول قرن هفتم هجری

«برگرفته» را چنین تعریف کرده‌اند: «عبارت از برگرفتن عبارت یا آیه قرآنی است با تصرف یا افزودن و کاست» (همان). درباره الهام و اشاره نیز اعتقاد دارند که «الهام از یک آیه و عبارت قرآنی و اشاره به آن فی الواقع فرق چندانی ندارد و هر دو زیرمجموعه اقتباس هستند». آن‌ها اقتباس‌های لفظی را «اشاره» و اقتباس‌های معنوی را «الهام» دانسته‌اند. (همان: ۱۳-۱۴)

علی اصغر حلبی در فصل چهارم کتاب «تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی» با بررسی نمونه‌هایی از نه کتاب از نه نویسنده شهیر فارسی، به بررسی اجمالی جلوه‌های تأثیر قرآن و حدیث در نثر فارسی پرداخته است (ر.ک. حلبی، ۱۳۷۹: ۲۰۹-۳۱۳)

سامیه بشیر مژدهی در مقاله‌ای با نام «قرآن و ادب فارسی» به بررسی و تحلیل چگونگی تأثیر آیات قرآن در ادبیات فارسی پرداخته است. او در بخش پایانی مقاله خودش به «تأثیر قرآن در نثر فارسی» اشاره کرده و در این بخش با بهره‌گیری از کتاب «تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی» دکتر علی اصغر حلبی که ذکر شد، به بررسی اجمالی تأثیر قرآن کریم بر نثر کهن فارسی، علاوه بر کتاب‌هایی که دکتر حلبی به آن‌ها پرداخته است، در آثار دیگر همچون گلستان سعدی پرداخته است. (ر.ک. انوشه و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۰۸۰-۱۱۱۹)

حسین خطیبی در صفحات ۲۰۰ تا ۲۰۸ جلد اول کتاب «فن نثر در ادب پارسی» موضوع چگونگی کاربرد آیات و احادیث را در نثر فنی و مصنوع فارسی بررسی کرده است.

امیرحسین یزدگردی مصحح «نفته‌المصدر» نیز در «مقدمه مصحح» چگونگی استعمال آیات قرآن کریم را به همراه موارد دیگر در صفحات بیست و بیست و یک مقدمه کتاب با ذکر نمونه‌ها بررسی نموده است.

سرمردی و عابدی در مقاله «بررسی مفهومی و ساختاری آیات قرآن در نفته‌المصدر» به بررسی اثرپذیری زیدری

که نشان دهیم که مصنف از کدام دسته آیات قرآن و به منظورهای استفاده کرده است. از این دیدگاه، هدف این مقاله، نشان دادن چگونگی اقتباس و به‌کارگیری آیات و کلمات قرآنی در نفته‌المصدر و تأثیر آن در کسب مقام والای این کتاب در ادب فارسی به عنوان نمونه والای نثر مصنوع است. برپایه این هدف، رویکردها و چشم‌اندازهای متعددی چون شکل، ساختار، بسامد، سبک، دستور زبان یا نقش دستوری آیات در ساخت و بافت نحوی جملات و ملاحظات بلاغی و معناشناختی (بسامد معانی و مفاهیم خاص) آیات در جهت روشن کردن و اثبات قدرت قلم و هنر نویسندگی مصنف و ساختار فکری او مورد نظر نگارندگان این مقاله است. در بخش‌های بعدی این خصایص عنوان‌بندی و بررسی شده است.

۱.۳. پیشینه و ضرورت تحقیق

در شعر فارسی، قرآن و حدیث جلوه‌های گوناگونی دارد. سیدمحمد راستگو این بحث را در کتاب «تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی» از دیدگاه‌های مختلف ساختاری و محتوایی بررسی کرده است. (راستگو، ۱۳۸۳)

بهاءالدین خرمشاهی و سیامک مختاری در کتاب «قرآن و مثنوی» به بررسی نفوذ و رسوخ آیات، الفاظ و معانی قرآنی در ابیات مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین بلخی پرداخته‌اند. این بزرگان «نفوذ و رسوخ آیات را منحصر به پنج وجه یا شکل کرده‌اند: تضمین، برگرفتن، اقتباس، الهام گرفتن و اشاره داشتن که دو وجه اول را لفظی و سه وجه بعدی را لفظی و معنوی هردو دانسته‌اند» (خرمشاهی و مختاری، ۱۳۸۳: ۱۳) خرمشاهی و مختاری درباره اصطلاحات «برگرفته»، «الهام» و «اشاره» نظر خاصی دارند. این دو «برگرفتن» را از «اقتباس» جدا دانسته و

نسوی از قرآن کریم با بهره‌گیری از انواع شیوه‌های متدوال اقتباس، استشهاد، تلمیح، تأویل، ترجمه، نقل به معنا و گونه‌های کاربرد برهان‌آوری و توجیه، بهره‌وری هنری و تزئینی (تزیین، تجمیل، تناسب، قرینه‌پردازی و...)، اثرپذیری الهامی-تاریخی، مشابه‌سازی قصص قرآنی، تصویرپردازی و توصیف، استفاده تمثیلی و اثرپذیری واژگانی پرداخته‌اند. زمینه اصلی بحث در مقاله مزبور، کاربرد مفهومی و ساختاری آیات قرآن در کتاب نفثة‌المصدر و شیوه‌های ده‌گانه مزبور و به کارگیری آن بنا بر ذائقه نویسنده است که از اشراف عمیق او بر قرآن حکایت دارد. (ر.ک. سرمدی و عابدی، ۱۳۸۲)

اقتباس: در اصطلاح بدیع آن است که همه و یا بخشی از یک آیه قرآن در کلام آورده شود به نحوی که قصد، برگرفتن باشد نه سرقت و انتحال (همان: ذیل واژه موردنظر). خرّمشاهی و مختاری اقتباس را به دو نوع لفظی و معنایی تقسیم کرده‌اند: «اقتباس لفظی به مفهوم برگرفتن عبارت یا آیه قرآنی و اقتباس معنایی به این مفهوم که معنای شعر (یا نثر) اقتباس از آیه است.» (خرّمشاهی و مختاری، همان منبع: ۱۳). اقتباس را چنین تعریف کرده‌اند: «آوردن گزاره‌ای؛ یعنی عبارتی قرآنی و یا روایی با همان ساختار عربی بی‌هیچ گونه تغییر و دگرگونی یا با اندک تغییری.» (راستگو، ۱۳۸۳: ۳۰)

ما در مقاله حاضر به بررسی نکات و مواردی پرداخته‌ایم که در مقاله فوق، مورد بررسی، تحلیل و تبیین قرار نگرفته‌اند یا کمتر در کانون توجه بوده‌اند. در این مقاله، ضمن این که از همه منابع فوق به فراخور موضوع برای تحلیل بهتر کمک گرفته شده است، با معین کردن شیوه‌ها و شگردهای متنوع به-کارگیری آیات قرآنی در نفثة‌المصدر برای ارتقای آن از جنبه لفظ و معنا، این نکته روشن شده است که تحقیقات انجام یافته در این حوزه (نثر کهن مصنوع فارسی) برای روشن کردن ابعاد گسترده آن کافی نبوده و انجام چنین پژوهش‌هایی، به ویژه با رویکرد میان‌رشته‌ای، برای پژوهشگران و دانشجویان رشته‌های علوم قرآنی و ادبیات فارسی می‌تواند مفید باشد.

تلمیح: در فن بدیع عبارت از آن است که نویسنده و یا شاعر برای اثبات سخن خودش به آیه‌ای مشهور اشاره کند بی آن که صریحاً متذکر استفاده خود باشد. (حلی، ۱۳۷۹: ۵۰)

تلمیحات اسلامی (مثل تلمیح به آیات و قصه‌های قرآن) گونه-ای از تلمیحات رایج در شعر و نثر فارسی است (انوشه و دیگران، ۱۳۸۱: ۴۰۴-۴۰۳)

تفاوت اقتباس و تلمیح: در اقتباس همه یا بخشی از عین آیه آورده می‌شود که حاکی و دلیل بر تمام آیه اقتباس شده است، اما در تلمیح تنها اشاره‌ای لطیف و ضمنی به آن آیه معروف می‌شود ولی عین آن را ذکر نمی‌کنند تا ذهن خواننده و یا شنونده را در کشف مفهوم سخن به کوشش وادارند. (انوشه و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۱۴-۱۱۵ و نیز حلی، ۱۳۷۹: ۶۹)

حلّ و یا تحلیل: در اصطلاح بدیع نوعی اقتباس است که در آن مضمون و یا ترجمه آیه در کلام آورده شود. (انوشه و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۱۴ و ۵۳۳) در تعریفی دیگر حلّ یا تحلیل در اصطلاح ادیبان گرفتن آیه‌ای از قرآن مجید گفتار و یا نوشتار است با خارج ساختن عبارت آن از صورت یا وزن اصلی‌اش به طور کامل یا ناقص (حلی، ۱۳۷۹: ۵۸)؛ و در تعریفی دیگر

۱.۴. اصطلاحات

به جهت آن که در این تحقیق تعدادی از اصطلاحات ادبی یا شیوه‌های کاربرد آیات در تحقیق حاضر حائز اهمیت هستند و مهم‌ترین این اصطلاحات از منظر موضوع مقاله عبارتند از:

درج: «اگر نص آیه بدون هیچ تغییری در متن آورده شود، به آن «درج» گویند.» (انوشه و دیگران: ۱۱۴ / حلی، ۱۳۷۹: ۶۸)

۷۴٪	۲۶٪	۱۰۰٪
-----	-----	------

چنان‌که مشهود است، بیشترین مورد به کارگیری آیات قرآنی در نفثه‌المصدور به صورت استفاده از بخشی از آیه قرآن است و این امر نشان می‌دهد که زیدری نسوی در کاربرد آیات به مطابقت با نص قرآن کریم و یا به استفاده از آیات کامل، بی‌کم و کاست، جهت تبرک و تیمن و یا استدلال و استناد تمعّد و اصرار ندارد، بلکه بیشتر به استفاده لفظی از آیات در جهت تکمیل معنی (جنبه معاشناختی) و نمایاندن قدرت استادی‌اش در نثرنویسی و سخن‌پردازی فارسی تأکید دارد. نکته مهم دیگر مهارت نویسنده در گزینش و کاربرد دقیق و بجای آیات قرآنی به منظور افزودن بر فصاحت و بلاغت متن است.

۱.۲. بررسی فراوانی استعمال آیات سوره‌ها در نفثه‌المصدور

زیدری نسوی از بین صد و چهارده سوره قرآن کریم، از آیات چهل و نه سوره، به طرق مختلف مانند درج، اقتباس، تلمیح، حل و... استفاده کرده‌است. با بررسی آیاتی که در نفثه‌المصدور به کار رفته‌اند، به نتایج جالب و معناداری می‌توان دست یافت: سوره بقره (۲) با هشت مورد بسامد (ر.ک. همان: ۱۳، ۱۴، ۲۶، ۳۱، ۳۸، ۷۷، ۱۰۰ و ۱۱۱) بیشترین تعداد استفاده را دارد. بعد از آن به ترتیب سوره‌های آل عمران (۳) با شش مورد بهره‌گیری (همان: ۳۴ (۲ مورد)، ۵۳، ۵۵، ۶۸ و ۸۴) و النساء (۴) با پنج مورد (ر.ک. همان: ۱۲، ۱۴، ۳۵، ۳۹ و ۶۲) و الکهف (۱۸) در صفحه ۵۷ (سه مورد که یک مورد آن «رابع» تنها در حد اشاره و تلمیح آمده‌است) و صص ۱۰۰ و ۱۱۱ بیشتر از آیات سوره‌های دیگر به کار رفته‌اند. بعد از این سوره‌ها، سوره‌های ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۳۷ هر کدام با ۳ مورد بهره‌گیری، مقام بعدی را به

دستکاری آیه تا مرز از هم پاشاندن ساخت و بافت آن. (راستگو، ۱۳۸۱: ۳۴)

۲. کمیت موارد به کارگیری آیات قرآن در نفثه‌المصدور

جمع استعمال آیات قرآن در کتاب نفثه‌المصدور بالغ بر نود مورد است و این نکته با عنایت به حجم کم کتاب در مقایسه آن با آثار دیگر نثر فنی و مصنوع فارسی مثل کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه قابل توجه و اعتنا است^۱. در نفثه‌المصدور بیش از هشتاد و چهار مورد درج و اقتباس عین آیات قرآنی دیده می‌شود. هفت مورد نیز وجود دارد که با دخل و تصرف نویسنده همراه بوده یا این که در حد اشاره و تلمیح است که در بخش‌های بعدی مقاله به آن‌ها خواهیم پرداخت. از میان هشتاد و چهار مورد اقتباس عین آیات قرآن در این کتاب بیست و دو مورد^۲ بدون کم و کاست به کار برده شده‌اند؛ مانند: «... احوال محشر و احوال رستاخیز، چنان‌که زبان وحی فرماید: *يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ* عیان دیده شد.» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۴۴) ملاحظه می‌شود که سه آیه (۳۴ و ۳۵ و ۳۶) از سوره عبس (۸۰) عیناً اقتباس و در جمله فارسی درج شده است. در شصت و دو مورد دیگر تنها قسمتی از آیه با حذف قسمت‌هایی آورده شده که به فحوای کلام و معنا و مفهوم مورد نظر نویسنده مربوط نمی‌شده است. این ارقام در جدول زیر با تعیین درصد آمده است:

استفاده از بخشی از آیه	استفاده از آیه کامل	کل موارد به کارگیری عین آیات
۶۲ مورد	۲۲ مورد	۸۴ مورد

آیهٔ مختلف از این سوره (آیات ۷۳ و ۱۷۷) با هم ترکیب شده، نیز از نظر کاربرد در بین سوره‌های پرتکرار قرار گرفته است.

نکتهٔ دیگر این که ملاحظه می‌شود که آیات سوره‌های آغازین قرآن و سوره‌های مدنی موارد استعمال چشمگیری در این کتاب دارند. این امر تسلط زیدری نسوی را در کاربرد آیاتی از کل سوره‌های قرآن، چه سوره‌های بلند آغاز و میانهٔ قرآن و چه سوره‌های کوتاه آخر آن، اثبات می‌کند.

مورد مهم دیگر این است که زیدری نسوی کمتر از آیات سوره‌های جزء سی‌ام قرآن کریم بهره می‌گیرد، چنان که از سوره‌های ۷۸ تا ۱۱۴ تنها شش مورد استعمال (سوره‌های ۷۹، ۸۳، ۹۰ و ۱۰۱ هر کدام یک مورد و سورهٔ ۸۰ دو مورد استعمال) به چشم می‌خورد. جالب این که «سوره‌های جزء سی‌ام قرآن اغلب کوتاه و آهنگین هستند» (رضوانی، ۱۳۸۲: ۳۵) و در نتیجه حفظ کردن آن‌ها آسان‌تر از سوره‌های مفصل اوایل و اواسط قرآن است. با توجه به این که زیدری نسوی از آیات سوره‌های آغازین و میانی قرآن به طور گسترده در تمام متن کتابش بهره برده است، این امر نمی‌تواند نشانهٔ این باشد که او تسلطی بر سوره‌های پایانی قرآن ندارد و یا این که آن‌ها را از حفظ نداشته است، بلکه استفاده کردن او از آیات سوره‌ها، استفادهٔ مفهومی است و متناسب با فحوای مطالب کتاب و معنی و مفهوم جملات فارسی از آیات سوره‌های مفصل آغاز قرآن برای تکمیل و تنمیم معنای جملات فارسی با استادی و به صورت هنرمندانه بهره برده است و این امر شگرد اصلی او در استفاده از آیات قرآن در کتابش است؛ برای مثال سورهٔ بقره که مفصل‌ترین سورهٔ قرآن است و ۶۱۴۳ کلمه دارد و در آن به صد و سی حکم فقهی و موضوعات متنوع دیگر اشاره شده است؛ (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۵۲) این سورهٔ بلند به دلیل کثرت معانی و مضامین آیاتش بیشترین کاربرد را در کتاب او بین سوره‌های قرآن پیدا کرده است. نویسنده با تسلط بر سوره به

خود اختصاص داده‌اند. بعد از این سوره‌ها، سوره‌های ۵، ۷، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۱، ۲۳، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۹، ۴۳، ۴۶ و ۸۰ با دو مورد استعمال در ردیف بعدی قرار می‌گیرند. سوره‌های ۱، ۶، ۱۲، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۵، ۲۷، ۳۰، ۳۱، ۳۶، ۳۸، ۴۰، ۵۵، ۵۶، ۶۲، ۶۵، ۶۹، ۷۳، ۷۵، ۷۶، ۷۹، ۸۳، ۹۰ و ۱۰۱ هر کدام با یک مورد استفاده در رتبهٔ آخر قرار می‌گیرند که می‌توان جدول زیر را در این مورد ترسیم کرد.

شمارهٔ سوره‌ها	فراوانی موارد استفاده از آیات سوره‌ها
۲	۸
۳	۶
۴ و ۱۸	۵
۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳ و ۳۷	۳
۵، ۷، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۱، ۲۳، ۲۸، ۲۹	۲
۳۳، ۳۹، ۴۳، ۴۶ و ۸۰	۱
۱، ۶، ۱۲، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۵، ۲۷، ۳۰، ۳۱، ۳۶، ۳۸، ۴۰، ۵۵، ۵۶، ۶۲، ۶۵، ۶۹، ۷۳، ۷۵، ۷۶، ۷۹، ۸۳، ۹۰ و ۱۰۱	

ملاحظه می‌شود که زیدری نسوی از آیات سوره‌های ابتدایی و میانی قرآن به دلیل طولانی بودن این سوره‌ها و کثرت مضامین و موضوعات آیات آن‌ها، بیشترین استفاده را کرده است. مصنف از سورهٔ الکهف (۱۸) به این دلیل که در صفحهٔ ۵۷ کتاب قصد هنرنمایی داشته است و می‌خواسته است که آیاتی از این سوره را در یک بند بیاورد، مکرر استفاده کرده است. در بخش‌های بعدی مقاله به بررسی این مورد خواهیم پرداخت. سورهٔ الصافات (۳۷) به این دلیل که در صفحهٔ ۴۰ دو

تناسب موضوعات مختلف کتاب از آن بهره برده است. سوره-های پایانی قرآن از لحاظ موضوع و مضمون و فحوای مطالب نفثة‌المصدر، تناسب چندانی با موضوعات و مضامین جملات فارسی مورد نظر زیدری نسوی نداشته‌اند، برای همین کمترین کاربرد را در این اثر دارند.

۳. نگاهی به کیفیت به‌کارگیری آیات قرآن در نفثة‌المصدر

برای آغاز بررسی بهتر است تفاوت کاربرد آیات قرآن در نفثة‌المصدر که نمونه نثر مصنوع فارسی محسوب می‌شود با کلیله و دمنه، اثر شاخص نثر فنی فارسی، از دیدگاه سبک-شناسی بررسی شود. در بررسی این دو کتاب درمی‌یابیم که موارد کاربرد آیات قرآن در کلیله و دمنه در مقایسه با نفثة‌المصدر بسیار محدود و معدود است. به جز پنج موردی که در صفحات چهار تا هفت دیباچه کلیله و دمنه نصرالله منشی آمده‌است، در باب‌های این کتاب جز موارد انگشت‌شمار، به ندرت با کاربرد آیات قرآن مواجه می‌شویم. (منشی، ۱۳۶۸: ۹۲، ۱۲۹، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۰ و ۲۴۹) به‌کارگیری آیات قرآن در دیباچه کلیله و دمنه و ابتدای باب‌ها مثل «باب الحمامة المطوقة»، «باب الاسد و ابن آوی»، «باب البلار و البراهمة» به صورت درج و به جهت تبرک و تیمن و نیز استشهاد بوده است. (ر.ک: همان: ۱۰۵، ۲۲۶، ۲۵۶ و ۲۸۱) در حالی که در نفثة‌المصدر در بسیاری از صفحات کتاب، به صورت‌های مختلف اشاره، حل، اقتباس و تلمیح با منظورهای گوناگون با استعمال آیات قرآنی روبه‌رو هستیم.

ابوالمعالی در کلیله و دمنه اغلب قبل از آوردن آیات قرآن که به صورت کامل و بدون دخل و تصرف درج کرده است، عبارت‌هایی را می‌آورد که خواننده را متوجه می‌کند که با نقل

قول و کلام الهی سر و کار دارد؛ برای نمونه: «اقتباس این سخن از قرآن عظیم است...» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۵) «و خدای تعالی تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ وَ عَمَّتْ نَعْمَاؤُهُ مِی‌فرماید...» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۶) و یا «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى...» یا «قَالَ اللَّهُ سَبْحَانَہُ وَ تَعَالَى...» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۷ و ۲۲۶) و امثالهم، در حالی که در نفثة‌المصدر همانند آثار نثر مصنوع دیگر مثل مرزبان‌نامه و راوینی و تاریخ جهانگشای جوینی، آیات قرآن بدون مقدمه و بدون این که قبل از آن عبارتی برای جلب توجه خواننده به کلام الله بودن آن‌ها ذکر شود، آورده می‌شوند. از دیدگاه سبک‌شناسی این گونه ظرائف، نوعی از ابداع و اظهار صنعت بوده‌است. (بهار، ۱۳۴۹، ج ۳: ۸۹) در واقع در فاصله حدود یک قرن بین زمان تألیف کلیله و دمنه (۵۳۶ هـ.ق) و نفثة‌المصدر (۶۳۲ هـ.ق)، کاربرد آیات قرآنی در نثر فارسی آن قدر رواج پیدا کرده و جا افتاده است که نویسنده بدون هیچ مقدمه‌ای و به صورت طبیعی از آیات قرآن استفاده می‌کند: «پادشاه سران لشکر را جمع کرده بود، و «قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ» بگوش همگان فروخوانده» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۳۶) و گاه نویسنده در اصل آیات نیز دخل و تصرف می‌نماید. برای نمونه «... و انذار واجب می‌شود و سَاءَ عَاقِبَةُ الْمُتَدْرِبِينَ» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۴۰)

۱.۳. کاربرد آیات قرآن بدون دخل و تصرف نویسنده در ساخت و بافت دستوری جمله

یکی از جلوه‌های مهم کاربرد آیات قرآن در نفثة‌المصدر بدین گونه است که آیه را به قصد تسمیم و تکمیل معنی، اقتباس و تضمین می‌کند، به گونه‌ای که کل آیه یا اغلب بخشی از آن، قسمتی از ساخت و بافت جمله می‌شود و نقش دستوری و نحوی خاص می‌گیرد. حسین خطیبی این گونه از اقتباس را

المصدر تعداد شش مورد دیگر کاربرد آیه در داخل جمله فارسی در نقش مفعول آمده‌است.^۴

زیدری نسوی در جای دیگر کتابش چنین نوشته است: «حدائق بساطین جنت صفت خاویه علی عرشها، عراض اماکن فردوس آسا قاعاً صَفْصَفًا» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۲۶) که قسمتی از آیه ۲۵۹ سوره بقره، آیه ۴۲ سوره الکهف، آیه ۴۵ سوره الحج با آیه ۱۰۶ سوره طه؛ هر دو در نقش مسند با حذف فعل اسنادی به قرینه معنوی به کار رفته‌اند. مورد دیگر این کاربرد در جای دیگری از کتاب دیده می‌شود که در این مورد نیز آیات ۲۲ و ۶۲ از سوره الکهف، در جمله به زیبایی و هنرمندی تمام در نقش مسند به کار رفته‌اند: «... ورد آن جماعت که گو اطلعت علیهم لوکیت منهم فراراً وکلمت منهم رعباً بود، آتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصباً» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۵۷) ملاحظه می‌شود که فعل اسنادی (شد/ شده‌بود) در این مورد نیز به قرینه معنوی حذف شده است.

در جای دیگر کتاب، کاربرد قسمتی از آیه ۱۰۹ سوره التوبة در نقش متمم دیده می‌شود: «... این بنا اساسی است که بر شفا جرف هار نهاده‌است...» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۱۲۵) در جای دیگر می‌خوانیم: «قصه حال بر هر که خواندم کأن لم یسمعها کأن فی اذنیه وقرأ» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۹۳) که بخشی از آیه ۷ سوره لقمان قرآن کریم به تناسب معنایی که دارد، با اسنادی و هنرمندی تمام، جزو بافت اصلی جمله شده‌است و در جمله مرکب نقش جمله پایه و هسته را بر عهده گرفته است. در جمله «... و قبل ان یبلغ الکتاب أجله، اجل در آن حدود تاختن آورد...» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۱۰۰) بخشی از آیه ۲۳۵ سوره بقره «یبلغ الکتاب أجله» را صرف نظر از معنا و شأن نزولش در قرآن، که درباره سپری شدن عده زنان مطلقه برای ازدواج مجدد است، بنا به ملاحظات معنایی به صورت قسمتی از جمله فارسی و در نقش قید زمان به کار برده شده است.

«دشوارترین و دقیق‌ترین نوع آن» می‌داند که «بالاترین حد تناسب و ظرافت و دقت در فن اقتباس به شمار می‌آید.» (خطیبی، ۱۳۶۶: ۲۰۱ و ۲۰۳)

زیباترین جلوه این نوع کاربرد آیات که نشانه تسلط نویسنده بر زبان عربی و آیات قرآن کریم و اوج فصاحت و بلاغت نوشته است، در جاهایی است که نویسنده بخش‌هایی یا کلماتی از یک آیه قرآن را در بافت جملات فارسی در مناسب‌ترین جاها به کار برده است؛ برای نمونه: «[از] این آبخیز که هر لحظه تیزتر است، روزکی چند برخیز، تا ندای یا اَرْضُ اَبْلَعِ مَاءَکِ وَا سَمَاءُ اَقْلَعِ شنیده‌آید ... خویش را بجودیی انداز که اگر جهات آب گیرد، دامن تو تر نگردد، تا حالت غیض الماء و قضي الامر دیده‌آید...» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۱۱۴). ملاحظه می‌شود که نویسنده دو بخش از یک آیه، (آیه ۴۴ سوره هود) را در نقش مضاف‌الیه در بافت و ساخت جملات فارسی به زیبایی به کار برده است. در ضمن کلمه «جودی» خود مقتبس از همان آیه است. در جای دیگر از کتاب همین شیوه به چشم می‌خورد: «بروق غمام بصرربای یکاد البرق یخطف ابصارهم بربق حسام سربای متبدل شده...» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۱) در این جمله بخشی از آیه ۲۰ سوره بقره، در ترکیبی اضافی در نقش مضاف‌الیه به کار رفته است. این گونه استعمال آیات که یکی از رایج‌ترین موارد کاربرد آیات در ضمن جمله‌ها در نثر فنی و نثر مصنوع قرن هفتم هجری است، در نفثه‌المصدر فراوان دیده می‌شود.^۵

در جای دیگر کتاب آمده‌است: «... یکی به تعجب یالیت قومی یعلمون بما غفر لی ربی وجعلنی من المکرمین می - خواند...» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۷۹) که قسمتی از آیه ۲۵ سوره یس، قرآن به همراه تمام آیه ۲۷ همان سوره در این جمله به تناسب معنی و مقال به کار رفته‌است و از دیدگاه دستور زبان، آیات قرآن در این جمله نقش مفعول گرفته‌اند. در نفثه-

نمونه‌ای دیگر از وام‌گیری در عبارت «... هر مجهول که فاعل از مفعول شناخت و موضوع از محمول فرق کرد، سلیمان‌وار به مَنطِقَ الطَّيْرِ نرسد» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۱۵) دیده می‌شود. مصنف در جمله فوق ترکیبی قرآنی «مَنطِقَ الطَّيْرِ» را از آیه شریفه ۱۶ سوره النمل عیناً و با همان ساخت و ترکیب عربی وام گرفته است و به زیبایی و استادی به قصد تمثیل، در بافت جمله پایه به کار برده است.

مورد دیگر از این کاربرد در جمله «... اصحابِ مَشَامَه در عَرَصَاتِ حَضْرَتِ حَشْر گشته و مِیْمَنَه بی‌خبر...» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۴۳) دیده می‌شود. نویسنده ترکیب «اصحابِ مَشَامَه» را عیناً و بدون تغییر از آیه ۹ سوره الواقعة قرآن «وَأَصْحَابُ الْمَشَامَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشَامَةِ» اخذ، وام‌گیری و اقتباس کرده است و به صورت استعاری-کنایی به جای «سپاه مغول» نشانده است و با کلمه «مِیْمَنَه» که تلمیحی ظریف به آیه ۵۵ همان سوره دارد، ایهام تناسب ایجاد کرده است.

این کاربرد همان است که حسین خطیبی آن را به صورت «نقل یک یا چند کلمه از آیه به طریق کنایه و اشاره» در قسمت «نقل و اقتباس قسمتی از آیه و...» بررسی کرده است و افزوده است که «معنی این گونه عبارات جز با دانستن تمام آن آیه مفهوم نیست.» (خطیبی، ۱۳۶۶: ۲۰۶-۲۰۷) دکتر امیرحسین یزدگردی نیز در «مقدمه مصحح» صفحه بیست و یک کتاب نفثه‌المصدور این نحوه استعمال آیات را به صورت «اشاره به پاره‌ای از کلمات مشخص و برجسته آیه» آورده است که البته نظر ایشان درست است.

۲.۲. کاربرد آیات قرآن با دخل و تصرف نویسنده

در نفثه‌المصدور حدود هفت مورد استعمال از آیات قرآن دیده می‌شود که نویسنده در آن به اصل آیه و نص قرآن وفادار نمانده است، بلکه بنا به ملاحظات معناشناختی و زیبایی-شناختی، کلمه یا کلماتی از آیه را از بافت و ساخت اصلی آن جدا کرده و از آن بهره برده است یا این که آیه را با افزودن یا حذف کلمه یا کلماتی، به صورت مبدل و متناسب با بافت جملات فارسی به کار برده است. شیوه‌های دخل و تصرف زیدری نسوی در آیات قرآن بدین قرار است:

۱.۲.۳. اشاره به کلمات مشخص و برجسته آیات در

ضمن جملات فارسی

کاربرد این شیوه‌ها را که در اصل نوعی اثرپذیری واژگانی از آیات قرآن کریم است در جاهای متعددی از نفثه‌المصدور می‌بینیم؛ برای نمونه: «...خواجه محمد جودانه رابع ما بود» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۵۷) در این جمله زیدری نسوی ضمن آن که به آیه ۲۲ سوره کهف «سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ...» اشاره می‌کند (تلمیح)، با وام‌گیری یا بهتر بگوییم برگرفتن کلمه «رابع» از این آیه شریفه و اضافه کردن ضمیر «ما» به آن به شیوه ترجمه، برآیندی از آن را ضمن متن خود می‌آورد و واژه و ترکیبی را بر پایه مضمون آیه می‌سازد. (ر.ک. راستگو، ۱۳۸۳: ۱۷-۱۵) با توجه به فحوای کلام قرآنی که در آن سخن از سگ اصحاب کهف می‌رود، عبارت ابداعی زیدری نسوی طنزپردازانه به نظر می‌رسد که به این مورد نیز در مقاله خواهیم پرداخت.

قرآنی و آیه شریفه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» شروع شده است و در ابتدا فقط عبارت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آمده است و از این لحاظ در میان آثار نثر فارسی استثناست. از آن جا که این کتاب به نثر است، نویسنده فرصت و امکان زیادی داشته است که نوشته‌اش را با ذکر نام خدا آغاز کند و به شیوه نویسندگانی مثل سعدالدین و راوینی و نصرالله منشی بر آن «تحمیدیّه» و «نعت پیامبر اسلام (ص)» و امثالهم بنویسد. به احتمال زیاد در نیابردن نام خدا، تحمیدیّه و نعت، تعمّد داشته است و می-خواسته است که کتاب او از این لحاظ منحصر به فرد باشد. در شرح حال زیدری نسوی می‌خوانیم که نویسنده بعد از اطلاع از پایان کار دردناک سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه کتابش را به رسم «بثّ شکوی» و در شرح دشواری‌هایی که برای سلطان خوارزمشاه در آخر عهد او و خودش پیش آمده بود، نوشت. (صفا، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۰۹) به نظر می‌رسد به دلیل این که محتوای این کتاب بیشتر بیان دردها و آلام و شکوه و شکایت از بی-رحمی مغولان، زمانه بد و بی‌وفایی و غدر دوستان و آشنایان و قتل و غارت مردم و امثال این موضوعات است، نویسنده تعمداً خواسته است کتابش در میان آثار نثر فارسی از این حیث متمایز باشد. همان گونه که سوره توبه قرآن مجید که موضوع و محتوای آن قهر و غضب و براءت و بیزاری از مشرکان است، بدون بَسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ شروع شده است. عبارت بَسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خود حاوی بار معنایی «رحمانیت» و «رحیمیت» خداست و همین بار معنایی، با محتوای کتاب، که حمله مغول و قتل عام مسلمانان به دست این قوم و عواقب دهشتناک اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن که از نگاه دین‌مدار نویسنده نشانه و آیه قهر و غضب خداوند بر مسلمانان به سبب عصیان و طغیان و بطر خود آنهاست؛ (ر.ک. سرمدی و عابدی، ۱۳۹۲: ۷-۸) هم‌خوانی ندارد.

۲.۲.۳. هنجارگریزی و آشنایی‌زدایی به منظور زیبایی‌آفرینی با ترکیب و تلفیق دو آیه

نویسنده در یک مورد با جسارتی که حاصل استادی و مهارت او در انشا و جولان قلم او و تسلط فراوانش بر قرآن و عدم تعهد او به نصّ قرآن به منظور زیبایی‌آفرینی است: «... و انذار واجب می‌شود و سَاءَ عَاقِبَةُ الْمُتَدْرِبِينَ» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۴۰) که در آن ترکیبی از آیه ۷۳ از سوره یونس «فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُتَدْرِبِينَ» و آیه ۷۳ از سوره الصافات «فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُتَدْرِبِينَ» و بخشی از آیه ۱۷۷ از همان سوره «فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُتَدْرِبِينَ» را درهم آمیخته و عبارتی نو آفریده است که می‌توان آن را «آیه‌گونه» یا «آیه‌واره» خواند. به کارگیری آیات فراوان از قرآن در جای جای نفع‌المصدر و در معانی و مفاهیم متعدّد نشان می‌دهد که این امر نمی‌تواند حاکی از اشتباه نویسنده باشد بلکه این گونه ابداعات و تصرفات نشان از تسلط او بر زبان عربی و قرآن کریم و توانایی کافی او در به کارگیری آیات قرآن در متن فارسی دارد. آیات و مفاهیم قرآنی در اثر خواندن و ممارست زیاد به اصطلاح برای او ملکه شده‌اند و این گونه موارد بیانگر این است که به احتمال فراوان زیدری نسوی حافظ کلّ یا بسیاری از آیات قرآن بوده است. جسارت نویسنده صرف نظر از استادی و تسلط عمیق او به قرآن مجید حاکی از آن است که او صرفاً به استفاده لفظی و مفعومی از آیات توجه دارد و لزومی نمی‌بیند که اقتباسش با نصّ قرآن و عین آیه یا آیات قرآن مطابقت کند.

۳.۲.۳. آغاز کتاب بدون بَسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلوه‌ای از هنجارگریزی زیدری نسوی را در ابتدای کتاب ملاحظه می‌کنیم. نفع‌المصدر کتابی است که بدون عبارت

۴.۲.۳. به‌کارگیری قسمتی از آیه قرآن با افزودن کلمه یا کلماتی عربی به ابتدای آن

زیدری نسوی در مواردی قسمتی از آیه قرآن را اخذ و اقتباس کرده است و به جهت افزودن معنایی متناسب یا ایجاد تناسب لفظی و هماهنگی آوایی کلمه یا کلماتی عربی به ابتدای آن آیه افزوده است؛ برای نمونه: «... و زمام بسط و قبض، لیلیَقیَ قَدْرًا مَقْدُورًا و لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا، بِمُخْتَلِيٍّ، نه مردی و نه زنی داده...» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۳۷) که «قَدْرًا مَقْدُورًا» مقتبس از آیه ۳۸ سوره الْأَحْزَاب است که فعل عربی «لِيلِيَقِيَ» به ابتدای آن افزوده شده است و علاوه بر معنی مناسبی که در بافت جمله دارد، با فعل «لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا» که از قسمتی از آیات ۴۲ و ۴۴ سوره الْأَنْفَال قرآن اقتباس شده است، صنعت بدیعی جناس ایجاد کرده است. مورد دیگر جمله «... و قَبْلَ أَنْ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ، اجل در آن حدود تاختن آورد...» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۱۰۰) است که عبارت «يَبْلُغُ الْكِتَابُ أَجَلَهُ»، بخشی از آیه ۲۳۵ سوره الْبَقَرَة، در آن اقتباس شده و نویسنده «و قَبْلَ» را بنا به ملاحظات معنایی به ابتدای آن افزوده است.

۳-۲-۵. به‌کارگیری قسمتی از آیه قرآن با تغییر دادن کلمه‌ای در ابتدای آن

زیدری نسوی در جمله «... تا سحر سرمه سَهْر کشیده‌بودم و طُول اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا، تُرَهَّات و خُرَافَات درهم نوشته...» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۵۱)، در آیه ۲ سوره الْمُزْمَل «أُمِّ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا» دخل و تصرف کرده و یک عبارت امری عربی را به عبارتی قیدی تبدیل نموده و متناسب با فحوای کلام و معنی آن به صورت به‌جا و زیبا در بافت جمله فارسی خود به کار برده است.

۶.۲.۳. حذف بخش‌هایی از آیه بنا به ملاحظات بلاغی و معناشناختی

زیدری در جایی از کتابش قسمتی از آیه ۴۰ سوره الرُّوم را اقتباس کرده و به جهت رعایت ایجاز و ملاحظات معنایی بخش‌هایی از آن را حذف کرده و در بین جمله خودش آورده است: «مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ، نجات را فتح بابی در حساب نبود...» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۹۱) که اصل آیه بدین صورت است: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يَمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ...» که «الَّذِي» و «ثُمَّ رَزَقَكُمْ» از آن حذف و بقیه آورده شده است. در ضمن عبارت «مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» نیز که به زیبایی در بافت جمله به کار گرفته شده است، عبارتی قرآنی و مقتبس از آیه ۳ سوره الطَّلَاق است.

۴. کاربرد آیات قرآن به منظور هنرنمایی و نکته-پردازی

گفته شد که نویسندگان نثر فنی و مصنوع فارسی به روح و باطن قرآن و شأن نزول آیات متعهد نبوده‌اند بلکه در وهله نخست می‌خواستند که قدرت قلم‌شان را در انشا و ترسل نشان دهند. آن‌ها با کاربرد آیات قرآن در بهترین و مناسب‌ترین جاهای نوشته‌شان به اقتضای حال و مقام، استادی خود را در نثرنویسی می‌نمایانده‌اند. یکی از جلوه‌های زیبای کاربرد آیات قرآن در نفثة‌المصدور وحدت موضوعی آیاتی است که در یک بند در معنی و مفهوم مناسب به کار می‌روند؛ برای مثال در جملات «... سلطانِ أليس لي مُلْكُ مِصرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي در دل بی‌عقل او خانه گرفته، و سودای این لی صرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ، در سر بی‌مغز او خایه و بچه نهاده...» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۲۲) نویسنده بخش‌هایی از دو آیه از دو سوره مختلف قرآن، آیه ۵۱ از سوره الزَّخْرَف و آیه ۳۶ از سوره غَافِر را در

یک بند آورده و در بافت جملات فارسی به کار برده است. از دیدگاه دستور زبان و نحو، نویسنده به هر دو عبارت قرآنی نقش مضاف‌الیهی داده است و هر دو را می‌توان مؤول به یک کلمه مثل «تکبیر» یا «فرعون‌مآبی» کرد.

آشوب‌زده خودش به کار برده است که خامه‌اش از دیدگاه صناعات ادبی و بلاغت در اوج زیبایی آفرینی و قدرت است.

۱.۴. کاربرد آیات قرآن به منظور طنزپردازی

در برخی موارد، زیدری نسوی برای این که هنر خود را در تسلط بر آیات قرآن نشان دهد، آیه‌هایی را از یک سوره به تناسب معنا در یک جمله می‌آورد؛ برای مثال: «... ورد آن جماعت که لَوِ اَطَّلَعَتْ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتُ مِنْهُمْ فِرَارًا وَاكْمَلْتُ مِنْهُمْ رُعبًا بود، اَتَنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا...» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۵۷) که به ترتیب آیات ۱۸ و ۶۲ سوره الکهف را در جمله فارسی به کار برده است و با این اعنات و التزام آشنایی گسترده خود را با آیات قرآن و اشراف عمیق خود را بر معانی و مفاهیم قرآنی نمایانده است. اما هیچ کدام از این هنرنمایی‌های همراه با تصنع و تکلف به پای مواردی نمی‌رسد که ذوق نبوغ‌آسای او آیه را به طور طبیعی و در جای بایسته و معنای دقیق و زیبای خود گنجانیده است؛ برای نمونه یکی از زیباترین و استادانه‌ترین کاربردهای قسمتی از آیه در ضمن جمله به صورت ترکیب اضافی، زمانی که پوست و گوشت پای نویسنده که بر اثر دربه‌دردی و آوراگی‌های طولانی از استخوان جدا شده، در شهر خوی آذربایجان ترمیم می‌یابد، این چنین دیده می‌شود: «بعد از دو ماهه مقام به خوی، چون پای را از خزانه فَكْسُونَا الْعِظَامَ لَحْمًا دیگر بار کسوت نو دادند...» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۹۶) که آیه ۱۴ از سوره المؤمنون را که مضمون آن درباره خلقت انسان است، در مقال و فحوایی دیگر، در زیباترین و هنرمندانه‌ترین جا به کار برده و صنعت و زینت بیانی استعاره را با زیندگی معنی در هم آمیخته است. نمونه دیگر در جای دیگر کتاب به چشم می‌خورد: «با دلی و چه دل! وَمَا اَذْرَاكَ مَا هِيَةَ نَارٌ حَامِيَةٌ.» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۳۴) نویسنده آیات ۱۰ و ۱۱ سوره القارعة قرآن را فارغ از کاربرد و معنی اصلی آن در قرآن (توصیف جهنم) در وصف دل بی‌قرار و درون مضطرب و

بهره‌گیری از آیات قرآن به صورت طنز از مصادیق هنرنمایی و نکته‌پردازی زیدری نسوی به شمار می‌رود. در این طرز کاربرد، نویسنده از قسمتی از آیه قرآن به طوری بهره می‌برد که خواننده آگاه با دانستن معنا و شأن نزول آیه، علاوه بر این که بر استادی او در استفاده به جا و متناسب از آیه واقف می‌شود، به طنز ظریفی پی می‌برد که به صورت غیر مستقیم و به کنایه و تلویح در نظر داشته است. از این دیدگاه آثار نثر کهن فارسی از جمله نفثه‌المصدر قوه ادراک و احاطه علمی خواننده را به چالش می‌کشند و او را به خواننده فعال و خلاق تبدیل می‌کنند؛ برای نمونه، در توصیف کاتبی که وزیر حاسد سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه در غیبت زیدری نسوی بر سر منصب کتابت گماشته است و با عنوان «مجنون نحوی» از او یاد می‌کند، از آیات ۱۱ و ۱۷۶ سوره النساء که درباره حکم فقهی ارث مرد و زن است، به گونه‌ای بهره برده است که به طور غیرمستقیم و به تلویح کاتب را از جهت تسلط بر فنون دبیری، زن (دارای نیم بهره و بهره ناقص) و خود را مرد (دارای بهره کامل) قلمداد می‌کند: «... به استعانت عمرو و زید و تقدیم انواع حیل و کید، قرار منصب کتابت در غیبت میان او و بنده لِدَكَرٍ مِثْلُ حَظِّ الْأَنْثَيْنِ داد و ثلثی از اصابات و الثُّلُثُ كَثِيرٌ، با جانب او نهاد.» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۱۴-۱۵)

نمونه دیگر: «... و عوانی به حد کمال، نه عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ گشته...» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۷۷) که با استفاده از آیه ۶۸ سوره البقرة علاوه بر این که از دیدگاه علم بدیع بین دو عوان، «عوان» (سرهنگ دیوان سلطان) و «عَوَان» (در آیه قرآن به معنی «میان

۱.۵. آیات مربوط به انذار، هشدار، قیامت و عذاب

آیات انذاری مربوط به عذاب‌های الهی، یعنی عذاب‌های دنیوی و عذاب‌های اخروی (قیامت و دوزخ) که در نفثه-المصدر مورد استفاده قرار گرفته‌اند، حدود هجده مورد هستند: صفحه ۱ (قرآن ۶۵/۳۷)، صفحه ۲۶ (قرآن ۲۵۹/۲ و ۱۰۶/۲۰ و ۵۸/۲۸)، صفحه ۳۰ (قرآن ۲۴/۴۶)، صفحه ۳۱ (قرآن ۴۳/۱۱) که درباره عذاب قوم نوح است؛ صفحه ۳۴ (قرآن ۱۰۱/۱۰۱-۱۱)، صفحه ۴۴ (قرآن ۳۶-۳۴/۸۰ و ۱۰/۷۵)، صفحه ۵۲ (قرآن ۴۰/۸۰-۴۲ و ۴۱/۵۵ و ۲۸/۶۹-۲۹)، صفحه ۵۳ (قرآن ۱۶/۳۹ و ۴۱/۱۳ و ۴۴/۲۱) که در قرآن آیه هشدار و انذار درباره شدت قهر و انتقام الهی از کافران و ظالمان است ولی در متن کتاب به زیبایی در وصف بی‌رحمی مغول و شدت حمله آن‌ها به کار رفته است؛ در صفحه ۶۸ (قرآن ۱۴۵/۷ و ۴/۳) که آیات هشدار هستند و در متن زیدری نسوی در مورد سرنوشت ملک مسعود، صاحب آمد، به کار رفته‌اند؛ صفحه ۱۰۲ (قرآن ۲۵/۴۶)، صفحه ۱۰۴ (قرآن ۱۰۱/۹) که آیه عذاب و درباره انذار و هشدار به منافقان است؛ صفحه ۱۱۱ (قرآن ۴۹/۱۸) که درباره قیامت و نامه اعمال بدکرداران است و صفحه ۱۱۸ (قرآن ۳۸/۴۳). در این‌گونه اقتباس‌ها، زیدری نسوی آیات عذاب الهی را که درباره ویرانی شهرها و روستاهای اقوام بی‌ایمان و عصیانگر گذشته و سرنوشت شوم آن‌ها هستند، با ویرانی شهرها و روستاها و سرنوشت مردمی که گرفتار حمله مغول شده‌اند، مطابقت می‌دهد. (ر.ک. زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۲۶ و ۱۰۲) گاهی فارغ از معنی و شأن نزول این آیات، آن‌ها را به صورت طنز آمیزی در توصیف مغولان به کار می‌برد. (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۵۲) یا در برخی موارد، بلائی خانمان سوز مغول را با واقعه بزرگ قیامت برابر می‌داند و به صورت زیبایی از تصاویر قرآنی مربوط به پایان دنیا و قیامت

در توصیف رنگ گاو بنی اسرائیل، جناس تام ایجاد می‌کند، به طنز و تلویح «جمال علی عراقی» را «بقره» (گاو) تصویر می‌کند. دریافت این دقیقه و لطیفه در صورتی امکان‌پذیر است که خواننده با قرآن آشنا باشد و بداند که «عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ» درباره چه موضوعی است. طنز دیگر در جملات «... سلطان آلیس لی مُلْکُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْآنَ هَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي در دل بی‌عقل او خانه گرفته، و سودای ابن لی صرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابِ، در سر بی‌مغز او خایه و بچه نهاده...» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۲۲) آمده است که نویسنده با بهره‌گیری از بخش‌هایی از دو آیه از دو سوره مختلف قرآن، آیه ۵۱ از سوره الزخرف و آیه ۳۶ از سوره غافر که هر دو جمله در قرآن از زبان فرعون بیان شده است و از سخنان اوست، علی بن قاسم، وزیر متکبر سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه را به طنز و کنایه و تلویح، فرعون خوانده است. عابدی و سرمدی (۱۳۹۲) این گونه بهره‌برداری زیدری نسوی را از آیات قرآن تحت عنوان «بهره‌برداری تعریضی» بررسی و تحلیل کرده‌اند. (عابدی و سرمدی، ۱۳۹۲: ۸-۱۰)

۵. معناشناسی مفاهیم و محتوای آیات به کاررفته در

نفثه‌المصدر

هشتاد و چهار مورد آیه قرآن که زیدری نسوی، در نفثه-المصدر، عیناً اخذ، اقتباس و تضمین کرده‌است، از دید معنا، مفهوم، موضوع و محتوا به چند دسته می‌توان تقسیم کرد: آیات مربوط به انذار، هشدار، قیامت و عذاب؛ آیات مربوط به کافران، منافقان، ظالمان و بدکرداران؛ آیات مربوط به حکمت الهی و مرگ؛ آیات مربوط به رحمت الهی؛ آیات مربوط به جهاد؛ آیات با موضوعات متنوع و به مقتضای حال و مقام. در این بخش به ترتیب به بررسی و تحلیل کاربرد آیات قرآن بر اساس تقسیم‌بندی فوق پرداخته می‌شود:

در ذکر وحشت و استیصال مردمی که گرفتار حمله ناگهانی مغول شده‌اند، بهره‌می‌برد. (ر.ک. زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۴۴)

۲.۵. آیات مربوط به کافران، منافقان، ظالمان و بدکرداران

تعداد قابل توجهی از آیات به کاررفته در کتاب نفثة‌المصدر مربوط به کافران، منافقان، ظالمان و بدکرداران است. بسامد این گونه آیات به حدود هفده مورد می‌رسد: صفحه ۱ (قرآن ۲۰/۲)، صفحه ۴ (قرآن ۹۰/۱۹)، صفحه ۹ (قرآن ۱۲/۷۹) که در مورد انکار حشر و قیامت از سوی ناباوران آن است؛ صفحه ۱۳ (قرآن ۷۲/۱۵ و ۲۰۴/۲)، صفحه ۲۲ (قرآن ۵۱/۴۳ و ۳۶/۴۰) درباره تکبر و سرکشی فرعون، صفحه ۳۱ (قرآن ۴۳/۱۱) درباره پندناپذیری و سرکشی پسر نوح، صفحه ۳۹ (قرآن ۲۳/۸ و ۱۰۱/۱۰ و ۷۹/۷) که هر سه مورد درباره پندناپذیری کافران، منافقان و زشت‌کرداران است؛ صفحه ۴۳ (قرآن ۲۴/۱۰) که درباره اعمال کافران و ظالمان است؛ صفحه ۶۰ (قرآن ۱۰۹/۹) که درباره اعمال ظالمان و کافران و هشدار به آنهاست؛ صفحه ۸۴ (قرآن ۱۱۸/۳) که درباره ویژگی منافقان است؛ صفحه ۹۳ (قرآن ۷/۳۱) که درباره هشدار به کافران و منافقان بی‌ایمان است؛ صفحه ۹۶ (قرآن ۳/۱۵) و صفحه ۱۲۴ (قرآن ۵۲/۵). زیدری نسوی از این دسته از آیات قرآن اغلب در توصیف دشمنان و حاسدان خودش بهره می‌برد؛ چنان‌که در دو جای کتابش، در ذکر عداوت و حسادت وزیر سلطان جلال‌الدین با خودش، دو بار از این آیات بهره برده است. (ر.ک. زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۱۳ و ۲۲) و یا در توصیف کسانی که به هشدار و تحذیر او درباره حمله قریب‌الوقوع مغول گوش ندادند، از این آیات بهره برده است. (ر.ک. زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۳۹)

۳.۵. آیات مربوط به حکمت الهی و مرگ

گروه دیگری از آیات اقتباس شده در نفثة‌المصدر، آیاتی هستند که مطابق حکمت الهی حاکم بر قرآن، همه امور را به حق تعالی نسبت و ارجاع می‌دهند. نویسنده با دیدگاه یک مسلمان موحد، از این آیات قصد توجیه فلسفی و عقیدتی حمله مغول و نتایج و تبعات گران آن را دارد (برای شرح ر.ک. سرمدی و عابدی، ۱۳۸۲: ۶-۸) او این گونه آیات را به منظور تسکین و دلداری خودش و خوانندگان کتاب و عبرت گرفتن آنان به کار می‌برد. تعداد این گونه آیات در نفثة‌المصدر بالغ بر سیزده مورد است که عبارتند از: صفحه ۹ (قرآن ۲۱/۳۹)، صفحه ۱۷ (قرآن ۱۱/۱۳) که درباره محتوم بودن تقدیر آسمانی و قضای الهی است. توضیح این که زیدری نسوی قسمت دیگر همین آیه را در صفحه ۸۱ کتاب به مقتضای حال و مقام و مطلب آورده‌است؛ صفحه ۲۵ (قرآن ۱۲۹/۶)، صفحه ۳۱ (قرآن ۲۱۶/۲)، صفحه ۳۴ (قرآن ۷۴-۷۳/۳) که فضل و برتری را به یقین از آن خدا می‌داند که به هر کس بخواهد، می‌دهد؛ صفحه ۳۷ (قرآن ۳۸/۳۳ و ۴۴/۸) که تقدیر الهی را بودن، حتمی، شدنی و گریزناپذیر قلمداد می‌کند؛ صفحه ۴۳ (قرآن ۲۴/۱۰) که محتوای آیه این است که جان تمام مخلوقات در دست خداست، اما زیدری نسوی، با استادی، آن را در وصف کسانی که کار می‌برد که در حمله مغول، دارایی و نقود خود را گذاشته و جان خود را برداشته و فرار کرده‌اند؛ صفحه ۸۱ (قرآن ۱۹/۱۳)، صفحه ۹۱ (قرآن ۴۰/۳۰)، صفحه ۱۰۷ (قرآن ۳۰/۱۶) که درباره بهتر بودن دار آخرت برای انسان پرهیزکار است و نویسنده با ذکر این آیه از دید روان‌شناختی به خود و خوانندگان تسکین می‌دهد. آیات مربوط به مرگ و برحق بودن و گریزناپذیر بودن آن را نیز می‌توان جزو آیات حکمی شمرد: صفحه ۳۱ (قرآن ۱۳۴/۲)، صفحه ۳۶ (قرآن ۸/۶۲)، صفحه ۵۵. (قرآن ۱۸/۳ و ۳۵/۲ و ۵۷/۲)

۴.۵. آیات مربوط به رحمت الهی

دسته دیگر از آیات اقتباس شده در نفثة‌المصدور، آیات رحمت هستند؛ یعنی آیات تبشیری مربوط به بهشت و پاداش اخروی برای مؤمنان، مسلمانان، خویشتن‌داران و نیکوکاران که زیدری نسوی در این موارد، موضوع جهاد و شهادت در راه خدا را به بهشت و رضای خداوند پیوند می‌دهد. تعداد این گونه آیات در نفثة‌المصدور حدود ۱۰۰ مورد است؛ برای نمونه: صفحه ۵۳ (قرآن ۲۶/۸۳ و ۱۶۹/۳-۱۷۰)، صفحه ۷۳ (قرآن ۳/۶۵)، صفحه ۷۹ (قرآن ۲۶/۳۶-۲۷) از صفحه ۱۱۴ به بعد کتاب که نویسنده موضوع رساندن خودش را به درگاه ملک مظفر شهاب‌الدین غازی در خطه میافارقین در آسیای صغیره غیر مطرح می‌کند، در مدح سلطان، و وصف عدل و داد او و آسایش و امنیت آن خطه، با بهره‌گیری از آیات رحمت، حق سخن را ادا می‌کند: صفحه ۱۱۴ (قرآن ۴۳/۱۱)، صفحه ۱۱۵ (قرآن ۶۷/۲۹)، صفحه ۱۱۶ (قرآن ۲۰/۷۶ و ۲۵/۵۶ و ۴۷/۳۷).

۵.۵. آیات مربوط به جهاد

دسته دیگر از آیات به کار رفته در نفثة‌المصدور، به موضوع جهاد در راه خدا می‌پردازند و تعداد آن‌ها از سه مورد تجاوز نمی‌کند: صفحه ۳۵ (قرآن ۹۵/۴)، صفحه ۳۹ (قرآن ۷۱/۴ و ۶۰/۸).

۶.۵. به کارگیری آیات قرآن با موضوعات متنوع به

مقتضای حال، مقام و معنی

باقی آیاتی که زیدری نسوی در کتاب اقتباس کرده است، موضوعات و مضامین متنوع دارند که به مقتضای حال، مقام و معنی به کار رفته‌اند. تعداد این آیات در نفثة‌المصدور حدود

بیست و دو مورد است: صفحه ۳ (قرآن ۷/۱۶)، صفحه ۶ (قرآن ۴۷/۲۲)، صفحه ۱۲ (قرآن ۵۸/۴)، صفحه ۱۴ (قرآن ۱۱/۴ و ۱۷/۶)، صفحه ۱۶ (قرآن ۴/۲۵)، صفحه ۳۱ (قرآن ۱۱۹/۹ و ۲/۱)، صفحه ۳۴ (قرآن ۷/۴۳)، صفحه ۴۵ (قرآن ۱۱۴/۱۱)، صفحه ۵۷ (قرآن ۱۸/۱۸ و ۶۲/۱۸)، صفحه ۶۰ (قرآن ۲۴/۳۸)، صفحه ۶۲ (قرآن ۱۸/۱۸)، صفحه ۶۴ (قرآن ۹۶/۲۳)، صفحه ۷۷ (قرآن ۶۸/۲)، صفحه ۹۶ (قرآن ۱۴/۲۳)، صفحه ۱۰۰ (قرآن ۲۳۵/۲ و ۱۳/۱۸)، صفحه ۱۰۵ (قرآن ۱۲/۹۰)، صفحه ۱۱۱ (قرآن ۲۸۶/۲)، صفحه ۱۱۲ (قرآن ۷۲/۳۳) و سرانجام صفحه ۱۲۵ (قرآن ۳۱/۵).

بر اساس یافته‌های پژوهش در این بخش، می‌توان جدول زیر را چنین ترسیم کرد:

آیات مربوط به جهاد	آیات مربوط به رحمت الهی	آیات مربوط به حکمت الهی و مرگ	آیات مربوط به کافران، منافقان، ظالمین و بدکرداران	آیات مربوط به انذار، هشدار، قیامت و عذاب	آیات با موضوعات متنوع	غفلة‌المصدور	کل آیات اقتباس شده در
۳	۹	۱۳	۱۷	۲۰	۲۲	۸۴	
%۳/۵	%۱۰/۷	%۱۵/۴	%۲۰/۲	%۲۳/۸	%۲۶/۱	%۱۰۰	

نتایج

شهاب‌الدین محمد زیدری نسوی منشی و نویسنده‌ای است که به قرآن تسلط کامل دارد. او آیات قرآنی را صرف نظر از شأن نزول و موضوعی که در قرآن دارند، به اقتضای حال و مقام و معنای جملات کتابش به کار برده و در این کار حتی در اصل آیات نیز دخل و تصرف کرده است. بیشتر موارد استفاده او از آیات قرآن به صورت استفاده از بخشی از آن‌ها یا کلماتی از آنهاست این امر نشان می‌دهد که زیدری نسوی در کاربرد آیات به مطابقت با نص قرآن کریم و یا به استفاده از آیات

خود و خوانندگان کتابش دارد. از دید نشانه‌شناسی و معناشناسی کثرت آیات عذاب در نفثة‌المصدور مبین روحِ دردمند نویسنده و حاکی از انسجام و جزالتِ قابلِ تحسین نوشته‌ او از نظر لفظ و معناست و همین انسجام و جزالتِ متن، نفثة‌المصدور را به ناله‌های دلِ دردمند انسانی حسّاس و هنرمند بدل می‌کند.

کامل، بی‌کم و کاست، جهت تبرک و تیمن و یا استدلال و استناد تعمّد و اصرار ندارد، بلکه بیشتر به استفاده لفظی و ساختاری از آیات در جهت تمییم و تکمیل معنی و نمایاندن قدرت استادی‌اش در نثرنویسی و سخن‌پردازی فارسی تأکید دارد. خواننده در نفثة‌المصدور با جلوه‌های گوناگون هنرنمایی و نکته‌پردازی زیدری نسوی در استفاده از آیات قرآنی روبه‌رو می‌شود که حتّی شامل طنزپردازی با استفاده از آیات قرآن نیز می‌شود. بررسی کمی آیات قرآنی در کتاب نفثة‌المصدور نشان می‌دهد که زیدری نسوی از آیات سوره‌های مفصّل ابتدایی و میانی قرآن کریم (به دلیل بلند بودن سوره‌ها و تنوع موضوعات آیات آن‌ها) در کتاب بیشترین بهره‌گیری را انجام داده‌است و نحوه کاربرد آیات قرآن در ساخت و بافت جملات فارسی نشان می‌دهد که او به معنی و مفهوم آیات قرآن تسلط کافی و وافی دارد. تنوع آیات با معانی و مضامین گوناگون و ظرافت و دقتی که نویسنده در کاربرد آن‌ها نشان می‌دهد، عامل مهمّی در ارتقای نفثة‌المصدور به یکی از شاهکارهای نثر فنی و نثر مصنوع فارسی است. از دیدگاه معناشناسی، بیشترین موارد به-کارگیری آیات قرآنی در نفثة‌المصدور صرف نظر از آیات با موضوعات متنوع که هر کدام در جا و معنای مناسب به کار رفته‌اند، مربوط به آیات انذار و هشدار، عذاب‌های دنیوی و اخروی و آیات مربوط به انسان‌های کافر، بدکردار و بی‌ایمان است. با مقایسه تعداد کاربرد آیات یادشده با آیات مربوط به جهاد که مستلزم نگاه پویا و فعّال به زندگی است و آیات رحمت الهی، که همراه با آیات جهاد دارای کمترین بسامد هستند، می‌توان چنین برداشت کرد که نویسنده از دیدگاه روان‌شناسی، از آوارگی‌هایش و از قتل عام مردم به دست مغول و از اوضاع نابسامان اجتماعی و سیاسی حاصل از هجوم مغول و انحطاط اخلاقی هم‌عصرانش به شدت متأثر است و با آوردن آیات مربوط به حکمت الهی و تقدیر محتوم الهی در نبودکردن یا زنده نگه‌داشتن انسان‌ها سعی در تسکین روحی

یادداشت‌ها

^۱ برای نمونه در کتاب کلیله و دمنه (منشی، ۱۳۶۸) با وجود حجم زیاد آن به نسبت نفقه‌المصدر، تنها حدود چهارده مورد استعمال آیات قرآنی دیده می‌شود و در مرزبان‌نامه (وراوی، ۱۳۸۰)، با حجم خیلی بیشتر از نفقه‌المصدر، تنها حدود صد و ده مورد استعمال آیات قرآنی دیده می‌شود.

^۲ این موارد عبارتند از: ص ۱ (قرآن ۶۵/۳۷)، ص ۴ (قرآن ۹۰/۱۹)، ص ۱۳ (قرآن ۷۲/۱۵ و ۲۰۴/۲)، ص ۲۵ (قرآن ۱۲۹/۶)، ص ۲۶ (قرآن ۵۸/۲۸)، ص ۳۱ (قرآن ۲/۱)، ص ۳۴ (قرآن ۱۱۰/۱۰۱ و ۱۱۰/۱۱)، ص ۳۹ (قرآن ۷۱/۴ و ۲۳/۸)، ص ۴۴ (قرآن ۳۴/۸۰ و ۳۵ و ۳۶)، ص ۵۲ (قرآن ۴۱/۸۰ و ۴۲ و ۴۱/۵۵ و ۲۹ و ۲۸/۶۹)، ص ۵۳ (قرآن ۱۶/۳۹)، ص ۷۹ (قرآن ۲۷/۳۶)، ص ۹۶ (قرآن ۳/۱۵)، ص ۱۰۰ (قرآن ۲۳/۱۸)، ص ۱۰۵ (قرآن ۱۲/۹۰)، ص ۱۱۶ (قرآن ۲۰/۷۶ و ۲۵/۵۶ و ۴۷/۳۷).

^۳ باقی این موارد عبارتند از: ص ۱۲ (قرآن ۵۸/۴)، ص ۲۲ (قرآن ۵۱/۴۳ و ۳۶/۴۰)، ص ۳۱ (قرآن ۴۳/۱۱)، ص ۳۸ (قرآن ۱۳۴/۲)، ص ۵۲ (قرآن ۴۱/۵۵)، ص ۵۵ (قرآن ۱۸۵/۳ و ۳۵/۲۱ و ۵۷/۲۹)، ص ۶۰ (قرآن ۲۴/۳۸)، ص ۶۸ (قرآن ۱۴۵/۷)، ص ۷۳ (قرآن ۷/۶۵)، ص ۹۶ (قرآن ۱۴/۲۳)، ص ۱۰۲ (قرآن ۲۵/۴۶)، ص ۱۱۴ (قرآن ۴۴/۱۱).

^۴ این موارد عبارتند از: ص ۳۶ (قرآن ۸/۶۲)، ص ۳۹ (قرآن ۷۱/۴)، ص ۵۲ (قرآن ۲۸/۶۹ و ۲۹)، ص ۶۲ (قرآن ۷۵/۴)، ص ۱۱۱ (قرآن ۴۹/۱۸) و ص ۱۱۸ (قرآن ۳۸/۴۳).

فهرست منابع

- فارسی)، به تلخیص سیدمحمد ترابی، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات فردوس.
- منشی، ابوالمعالی نصرالله (۱۳۶۸). **کلیله و دمنه**، به کوشش عبدالعظیم قریب، چاپ چهارم، تهران: کانون انتشارات علمی.
- نظامی عروضی، احمد بن عمر (۱۳۶۹). **چهار مقاله**، به تصحیح محمد معین، چاپ دهم، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- وراوینی، سعدالدین (۱۳۸۰). **مرزبان نامه**، به کوشش خلیل خطیب‌رهبر، چاپ هفتم، تهران: انتشارات صفی‌علی‌شاه.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۱). **فنون بلاغت و صناعات ادبی**، چاپ هشتم، تهران: مؤسسه نشر هما.
- انوشه و دیگران (۱۳۸۱). **فرهنگنامه ادبی فارسی** (جلد دوم از دانشنامه ادب فارسی)، چاپ دوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بهار، محمدتقی (۱۳۴۹)، **سبک‌شناسی**، سه جلد، چاپ سوم، تهران: کتاب‌های پرستو.
- تجلیل، جلیل (۱۳۷۶). **معانی و بیان**، چاپ هشتم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- جوینی، عظاملک (۱۳۶۷). **تاریخ جهانگشای جوینی**، سه جلد، چاپ سوم، تصحیح محمد قزوینی، تهران: انتشارات ارغوان.
- خرّمشاهی، بهاء‌الدین و مختاری، سیامک (۱۳۸۳). **قرآن و مثنوی**، تهران: نشر قطره.
- حلی، علی‌اصغر (۱۳۷۹). **تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی**، چاپ هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- خطیبی، حسن (۱۳۶۶). **فن نثر در ادب پارسی**، دو جلد، تهران: انتشارات زوّار.
- راستگو، سید محمد (۱۳۸۳). **تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی**، چاپ سوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- رضوانی، جابر (۱۳۸۲). **معماهای قرآن**، چاپ سوم، تهران: انتشارات جهان‌آرا.
- زیدری نسوی، شهاب‌الدین محمد (۱۳۷۰). **نقشه‌المصدر**، به تصحیح امیرحسین یزدگردی، چاپ دوم، تهران: شرکت نشر ویراستار.
- سرمدی، مجید و عابدی، علی (۱۳۸۲). «**بررسی مفهومی و ساختاری آیات قرآن در نقشه‌المصدر**»، فصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهش‌های ادبی - قرآنی»، سال اول، شماره چهارم، ۸۳-۱۱۲.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۱). **تاریخ ادبیات ایران**، جلد دوم (خلاصه جلد سوم از تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان